

## مسلمانان و خزرها

نگار دیلابی

منبع: فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹

خزران، قومی ترک نژاد و ترک زبان بودند که در سده های هفتم تا دهم میلادی / اول تا چهارم هجری در شمال شرقی دریای سیاه و شمال غربی دریای مازندران حکومتی مستقل و مقتدر داشته اند. در منابع کهن اسلامی از شهرهای اتل، بلنجر و سمندر به عنوان تختگاه خزران یاد شده است. طبقه حاکم خزران در نیمه دوم قرن هشتم میلادی با انگیزه های سیاسی به آیین یهود گرویدند. در سده اول هجری تاریخ روابط خزران و مسلمانان در دو سوی شمال و جنوب کوه های قفقاز، شامل جنگ های مکرر و بی سرانجامی است که در سده دوم پس از تغییر کیش سران خزر و برقراری برخی روابط دوستانه با خلفای عباسی، از شدت درگیرها کاسته شد اما همچنان تا فروپاشی دولت خزران به دست روس ها در قرن چهارم ادامه داشت. سیاحان و جغرافی نویسان مسلمان از جمعیت پرشمار مسلمانان در کشور خزران خبر داده اند. کوشش این نوشتار، به دست دادن تصویری روشن از تاریخ خزران با تأکید بر روابط ایشان با مسلمانان، بر اساس منابع کهن اسلامی و بازسازی اطلاعات پراکنده منابع درباره فرجام خزران است.

واژه های کلیدی: خزران، ترکان اویغوری، اتل، دین یهود، جنگهای اعراب و خزران، روسها، باتوخان مغول، دشت قیچاق، ایل قجر.

منابع و مأخذ پژوهش درباره خزران

بیش ترین اطلاعات درباره تاریخ خزران از منابع عربی، بیزانسی، روسی و عبری به دست می آید. هر چند در تایید و تکمیل این اطلاعات، مطالبی نیز در منابع فارسی، سریانی، ارمنی، گرجی و ترکی موجود است. در این نوشتار بیش تر از منابع کهن عربی استفاده شده است. در بیان مناقشات نظری و سیاسی به ویژه درباره اصل و تبار خزران و فرجام مبهم آن ها و بهره گیری از منابع عبری و روسی، به پژوهش های جدید نیز مراجعه شده است. عمده روایات عربی درباره خزران از ابن فضلان، اصطخری (متوفی پس از ۳۴۰ یا ۳۴۶ ق)، ابن حوقل (متوفی پس از ۳۶۷ ق) و مسعودی (متوفی ۳۴۶ ق) است. از این میان ابن فضلان که در ۳۰۹ ق به دستور مقتدر، خلیفه عباسی (حک ۲۹۵ - ۳۲۰) همراه با هیاتی به کشورهای روس و بلغار و اسلاو و خزر سفر کرده بود (۱)؛ از مشاهدات خود سخن می گوید. سراسر روایت ابن حوقل که در حدود ۳۷۸ ق / ۹۸۸م به رشته تحریر در آمده، از کتاب اصطخری (تالیف بین سالهای ۳۱۸ - ۳۲۱) گرفته شده است. (۲)

اما مطالب مسعودی ظاهراً مستقل می نماید و حائز اهمیت بسیار است. منبع دیگر دائرة المعارف جغرافیایی (معجم البلدان) یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶) است که گزارش ابن فضلان و اصطخری را در این باره در کتاب خود گرد آورده است و هم از این رو چندان با ارزش نیست. روایات منابعی دیگر از قبیل ابن رسته و گردیزی تنها موبد و مشابه روایات منابع فوق است. بنابر این از اهمیتی برخوردار نیست. از میان تحقیقات جدید و قابل دسترس که در برخی موارد، در این نوشتار بدان ها استناد شده، کتاب تاریخ خزرهای یهودی

تالیف دگلاس مورتون دانلوپ است که در سال ۱۹۵۴ توسط انتشارات دانشگاه پرینستون به چاپ رسید. این کتاب گذشته از آن که مآخذی پر ارزش در تاریخ خزران است، دلایل جدیدی برای اثبات اعتبار سند ((مکاتبات خزر)) که از سوی بسیاری مورد نقد جدی قرار گرفته و در حد سندی جعلی فرو کاسته (۳) ارائه داده است. (۴)

در این نوشتار جهت پرهیز از پرگویی در حواشی سخن و مبحث اصلی، از ذکر این دلایل خودداری شده است. کتاب دانلوپ با عنوان تاریخ یهود الخزر در ۱۹۸۷ / ۱۴۰۷ در بیروت به قلم دکتر سهیل زکار به زبان عربی ترجمه و منتشر شده است. در این نوشتار به صفحات ترجمه عربی این اثر ارجاع داده شده است.

مآخذی دیگر در این باره که خود از کتاب دانلوپ بهره فراوان برده است، سبط سیزدهم تالیف آرتور کستلر است که در ۱۹۷۶ منتشر شده است. محمدعلی موحد و جلال ستاری در دو کار جداگانه آن را به فارسی برگردانده اند.

هم چنین به کتاب ارزشمند تاریخ خزر نوشته آرتامونوف، به نقل از دیگران استناد شده است. این کتاب در ۱۹۶۲ در لنینگراد چاپ و منتشر شد.

خزران، شاخه ای از ترکان اویغورباند که از سده ششم میلادی در کرانه های دریای خزر و آن سوی کوه های قفقاز سکنی گزیدند و دولتی نیرومند بنیاد نهادند که دو قدرت بزرگ آن روزگار (دولت ساسانی و امپراتوری بیزانس) آن را قدرتی مهم به شمار می‌آوردند. (۵)

طبق منابع عبری در ۱۲۲۲ق / ۷۴۰م طبقه حاکم خزران به آیین یهود گرویدند و بدین گونه دین یهود، دین رسمی خزرها گردید. (۶) اما به روایت مسعودی تغییر کیش خزران مقارن با ایام خلافت هارون الرشید (حك ۱۷۰ - ۱۹۳ / ۷۸۶ - ۸۰۹م) بوده است. (۷)

منابع عبری این واقعه را به تفصیل و با دقت در ذکر جزئیات بیان کرده اند. (۸) با این که مناقشات میان طرفداران و مخالفان اعتبار یا عدم اعتبار اسناد عبری به نتیجه روشنی نرسیده است و از این رو تاریخ ۷۴۰م را قطعی نمی توان انگاشت، لیکن به نظر می رسد روایت مسعودی که از میان ۲۳ سال حکومت هارون، تاریخ دقیقی را مشخص نکرده و تنها به ذکر ((ایام خلافت هارون)) اکتفا کرده، احتمالاً با تسامح بیان شده است. اما در مجموع ظاهراً باید پذیرفت که تغییر دین خزران در نیمه دوم قرن هشتم میلادی روی داده است.

در باب اصل و تبار خزران، در منابع اسلامی، ابتدا یعقوبی و در پی او مسعودی و بسیاری دیگر از مورخان و جغرافی نویسان، خزران را از اقباب ((یافت بن نوح)) شمرده اند. (۹) به نظر می رسد اسرائیلیات و توجه مورخان اسلامی به تورات یکی از عوامل برساختن این گونه نسب نامها بوده است. (۱۰)

سخن اصطخری در این باب متفاوت است:

... خزر و روس و سریر نام مملکت است، نه شهر و نه مردم. خزران به ترکان شباهتی ندارند. اینان سیاه مویند و دو گروه، گروهی قراخزر نام دارند که از سیاه چردگی به سیاهی می زنند و شبیه هندوانند و گروهی سپید رویند و زیبا. (۱۱)

در میان پژوهشهای جدید، سخن آرتا مونوف قابل مقایسه با سخن اصطخری است. او در کتاب تاریخ خزر می نویسد: خزران غیر از ترکان بوده اند و بر خلاف ترکان از سده چهارم (۱۲) میلادی در کرانه های شمالی دریای خزر و آن سوی کوه های قفقاز سکنی داشته اند اما ترکان از سده ششم میلادی به غرب روی آوردند و با خزران همسایه شدند. بعدها ترکان خاقانات غربی، سرزمین خزران را به تصرف خود در آوردند و بخشی از مردم آن سرزمین را در خود مستحیل کردند. (۱۳) با این همه ترك تباری خزران در میان بسیاری از پژوهشگران فرض مسلم و مورد تأکید فراوان است. دانلوپ ضمن مسلم دانستن اصل ترکی خزران، با ارائه دلایلی تاریخی و زبان شناختی، آن ها را از ترکان اویغوری دانسته است. (۱۴)

درباره تختگاه خزر نیز نظریات محققان متفاوت است و منابع کهن اطلاعات متفاوتی ارائه می دهند. مسعودی بلنجر در دامنه شمالی قفقاز را نخستین پایتخت امپراتوری خزر نوشته است. (۱۵) او از شهر سمندر (۱۶) و اتل نیز به عنوان تختگاه کهن خزر یاد کرده است. (۱۷) اصطخری در این باره بیان روشنی دارد: خزر نام قومی است و سرزمین و تختگاه آن اتل / اتل نامیده می شود که به رودی به همین نام منسوب است. (۱۸) ابن حوقل از تختگاه خزر با نام اتل، متشکل از دو بخش اتل و خزران در دو سوی شرقی و غربی رود اتل یاد کرده است. (۱۹) در هیچ يك از منابع جغرافیایی مسلمانان، نام تمام تختگاه های خزر در دوره های مختلف به روشنی نیامده است.

ظاهراً مهم ترین شهر خزران اتل بوده که علاوه بر خزران یهودی، مسیحیان، مسلمانان و بت پرستان در آن زندگی کرده اند. ابن حوقل و مسعودی، شاه و درباریان و خدمتکاران او را از یهودیان دانسته اند. (۲۰)

هر چند کشور خزران تا قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی برقرار بود، لیکن با حمله روس ها به فرماندهی سوویا توسلاو (۲۱) امیر کیف (۲۲) به سال ۳۵۴ / ۹۶۵م، خزران قدرت و شوکت پیشین را از دست دادند. شهر اتل به تصرف روس ها در آمد و اهمیت پیشین خود را از دست داد (۲۳) و تا آن جا که می دانیم از این پس در منابع ذکری از شهر اتل نیامده است.

درباره گرویدن خزران به دین یهود، منابع کلاسیک اسلامی، داستان مباحثه يك کشیش مسیحی و يك یهودی در حضور خاقان خزر (۲۴) و پیروزی یهودی را سبب این امر ذکر می کنند. (۲۵) از مهم ترین منابع عبری درباره تغییر کیش خزران اثری است معروف به مکاتبات خزر (۲۶)؛ نامه هایی به زبان عبری که میان حسدای بن شپروت (۲۷)، وزیر یهودی خلیفه اموی قرطبه و یوسف خاقان خزر مبادله شده است. (۲۸) از جمله منابع عبری دیگر در این باره سندی است که از جنیزه (گنیزه) (۲۹) قاهره کشف شده و به ((سند کمبریج)) (۳۰) مشهور است. (۳۱)

کهن ترین منبع مسیحی در این باره، رساله ای است به زبان لاتینی که کشیشی گرجی به نام کریستین در ائمار اکینتنی (۳۲) حدود ۸۶۴ م نوشته و در آن از گروهی یهودی مسلک به نام ((گزری)) یاد کرده که به عقیده وی همان یاجوج و ماجوج (۳۳) و از نژاد هونها هستند. (۳۴)

درباره انگیزه گرویدن خزران به آیین یهود، بیش تر پژوهشگران انگیزه سیاسی را مهم ترین علت از سوی فرمانروای خزر قلمداد کرده اند. (۳۵)

در آغاز قرن هشتم میلادی / دوم هجری، جهان میان دو قطب مسیحیت و اسلام تقسیم شده بود. امپراتوری خزر در حکم نیروی سومی بود که دوستی و دشمنی آن به ویژه به جهت موقعیت جغرافیایی - که حائلی میان امپراتوری بیزانس و سرزمین های خلافت اسلامی بود - برای هر دو طرف به يك اندازه اهمیت داشت.

از طرفی خزران دریافته بودند با پذیرش مسیحیت یا اسلام، استقلال خود را از دست خواهند داد، زیرا قبول هر يك از این دو دین، مستلزم پذیرش سلطه امپراتور روم یا خلیفه بغداد بود. نیز خزران به این نتیجه رسیده بودند که حفظ دین اولیه خود - که صورتی از صور ابتدایی حیات دینی (شمنیزم) بود - در مقایسه با ادیان توحیدی مسیحیت و اسلام نه تنها فرسوده و مندرس تلقی می شد، بلکه سران خزر را از نفوذ معنوی و قانونی که خلیفه و امپراتور به واسطه پیروی از دو آیین توحیدی و جهان شمول از آن برخوردار بودند، محروم می ساخت، به ویژه این که مقام خاقانی در میان خزران بیش تر جنبه معنوی و آیینی داشت تا جنبه سیاسی. از این جهت انتخاب دین مناسب که تمام این ملاحظات را مدنظر قرار دهد، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در چنین وضعی، منطقی ترین شیوه، گرویدن به مذهب ثالثی بود که از جهت مبنای عقیدتی و ساختار دینی قدرت هموردی با آن دو دیگر را داشته باشد. آیین یهود از شهرت کافی برخوردار بود و به عنوان دینی آسمانی مورد احترام هر دو گروه مسیحی و مسلمان قرار داشت.

اگر چه ظاهراً در این که این اقدام انگیزه سیاسی داشته است، نمی توان تردید کرد، اما بی شك خزران از مدت ها پیش

تر با یهودان آشنا بودند که زمینه مناسبی برای تغییر کیش آنان فراهم آورد. مهاجرت یهودیانی که عمدتاً از تعقیب و شکنجه امپراتوران روم می‌گریختند و نیز مهاجرت یهودیان آسیای صغیر پس از تسخیر این نواحی به دست مسلمانان، زمینه‌های آشنایی این دو را فراهم ساخته بود. (۳۶) بنابراین کشور خزران پیش از گرویدن به دین یهود پناهگاه امنی برای یهودیان به شمار مآمد و پس از قبول این آیین به خانه و موطن آن‌ها تبدیل شد. یهودیان هنر و صنعت بی‌زانس را با روش‌های پیشرفته به ویژه در کشاورزی و بازرگانی برای خزران به ارمغان آوردند. به سرعت بسیاری از مظاهر آیینی و فرهنگی یهود در جامعه خزر مورد پسند و قبول واقع افتاد چنان‌که به گزارش محمد بن اسحاق الندیم (ص ۲۱) به روزگار او (حدود ۳۰۰-۳۸۵) خزران از الفبای عبری استفاده می‌کردند. (۳۷)

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد گروهی از مسلمانان نیز در کشور خزران زندگی می‌کردند، حتی به گزارش برخی منابع اسلامی بیش‌ترین جمعیت خزران را مسلمانان و کم‌ترین شمار را یهودیان داشته‌اند. (۳۸) درباره چگونگی رفتار و روابط خزران یهودی با اتباع مسلمان چنان‌که از اندک روایات منابع موجود بر مآید، مسلمانان در این سرزمین از وضع مطلوبی برخوردار بودند. دست‌کم گزارشی از سختی یا پریشانی امور مسلمانان گزارش نشده است. مسعودی از وجود وزیری مسلمان در دربار خزران یاد کرده است. (۳۹) و اصطخری نیز از قاضیان مسلمانی یاد کرده که رسیدگی به دعاوی مسلمانان را بر عهده داشته‌اند. (۴۰) ابن فضلان در این باره نوشته که یکی از غلامان شاه که مسلمان است و او را ((خز)) می‌خوانند، بر مسلمانان حکومت می‌کند و مسلمانان و بازرگانانی که با ایشان داد و ستد می‌کنند، برای حل اختلاف به او مراجعه می‌کنند.

به نظر می‌رسد مسلمانان و پیروان سایر ادیان در انجام مناسک و آداب دینی خویش از آزادی کامل برخوردار بوده‌اند. منابع اسلامی از وجود تعداد زیادی مسجد در سرزمین خزر یاد کرده‌اند. (۴۱)

به گزارش یاقوت در ۳۱۰ / ۹۲۲ م شاه خزر خبر یافت که در یکی از سرزمینهای اسلامی (دار البایونج[؟])، مسلمانان کنیسه‌ای را ویران کرده‌اند. از این رو فرمان داد مناره مسجد جامع اتل را فرو ریزند و مودنان آن را بکشند، ولی از بیم آن که مبادا همه کنیسه‌ها در بلاد اسلام ویران شود، از ویران کردن مسجد خودداری کرد. (۴۲) این داستان نشانگر آن است که خزرها به لزوم خویشتن‌داری و خطر بالا گرفتن اختلافات توجه لازم را داشتند.

#### مسلمانان و خزرها

در طول بیست سال اول هجرت، ایران، شام (سوریه)، بین‌النهرین و مصر به دست مسلمانان افتاد و قلمرو مرکزی بی‌زانس نیز در نیم‌دایره‌ای که از مدیترانه تا قفقاز و سواحل جنوبی دریای خزر کشیده می‌شد، در محاصره مسلمانان قرار گرفت. کوه‌های قفقاز مانع طبیعی مهمی بود. دروازه دربند (باب‌الابواب) دروازه‌ای طبیعی بود که خزرها و سایر اقوام غارتگر از دیرباز برای هجوم به بلاد جنوب از آن گذشته و از همان راه به جای خود باز گشته بودند.

در فاصله سال‌های ۲۲ - ۳۲ ق / ۶۴۲ - ۶۵۲ م اعراب بارها از دروازه دربند گذشتند و در صدد برآمدن با تسخیر شهر بلنجر - که نزدیک‌ترین شهرها بود - راه را برای تسخیر کل بلاد خزر هموار سازند. در جنگ بزرگی که در ۳۲ ق. رخ داد، اعراب به سختی شکست خوردند و بسیاری از مسلمانان از جمله فرمانده عرب، عبدالرحمن بن ربیع باهلی، کشته شدند. (۴۳) پس از آن تا مدت‌ها درگیریهایی بین دو گروه به صورت منازعات دوره‌ای و ستیزهای محلی بود. (۴۴) در سال ۹۹ هـ. خزران به آذربایجان حمله کردند و شماری از مسلمانان را به قتل رساندند. خلیفه عمر بن عبدالعزیز (حك ۹۹ - ۱۰۱) حاتم بن نعمان باهلی را به جنگ خزران فرستاد. او سپاه خزران را در هم شکست و پنجاه تن از آن‌ها را به اسارت گرفت و این نخستین اسرایبی بودند که از بلاد خزر وارد سرزمین‌های اسلامی شدند. (۴۵)

در ۱۰۴ هـ. در زمان خلافت یزید بن عبدالملک (حك ۱۰۱ - ۱۰۵)، پس از شکست مسلمانان در محلی به نام مرج‌الحجاره،

خلیفه، جراح بن عبدالله الحکمی را حکومت ارمینیه داد و به جنگ خزران امر کرد. در این جنگ، جراح از باب الابواب گذشت و در آن سوی دروازه با سپاه خزران روبه رو شد. در این جنگ مسلمانان پیروز شدند و شهرهای متعددی از جمله شهر بلنجر را تسخیر کردند و غنائم فراوان به دست آوردند، اما با مقاومت مجدد خزران، مسلمانان نتوانستند پایگاهی دائمی در آن جا مستقر سازند و به ناچار باز گشتند. (۴۶) جراح در سال ۱۱۱ توانست بار دیگر وارد مملکت خزران شود و شهرهایی از جمله البیضا را به تصرف خود درآورد، اما در جنگ سال ۱۱۲، او و شمار زیادی از یارانش در بلنجر کشته شدند و پایگاه خزران بار دیگر از دست رفت. (۴۷)

پس از جراح، سعید بن عمرو الحرشی و پس از او مسلمه بن عبدالملک فرماندهی جنگ علیه خزران را بر عهده داشتند. (۴۸)

آخرین حمله مهم اعراب میان سال های ۱۱۴ - ۱۱۹ به سرداری مروان بن محمد - که بعدها به خلافت رسید - صورت گرفت. مروان به دلیل این که نزد هشام بن عبدالملک خلیفه، از دست اندازهای خزران به سرزمین های اسلامی و کشتار مسلمانان و نیز سهل انگاریهای مسلمه بن عبدالملک در جنگ با خزران، سخنانی شکوهمیز بر زبان رانده و آمادگی خود را برای جنگ اعلام کرده بود، از سوی او به ولایت آذربایجان و ارمینیه منصوب و مأمور جنگ با خزران شد. هشام، ۱۲۰ هزار جنگجو همراه او گسیل داشت. مروان برای گمراه کردن خزران از آنان خواست رسولی را جهت مصالحه نزد او بفرستند و چنین وانمود که قصد دارد با آنان ها بجنگد. نیرنگ مروان موثر واقع شد و او توانست با غافلگیر کردن آن ها، بسیاری از شهرها و نیز پایتخت را تسخیر کند. با این همه معلوم نیست که او به چه علت بآن که پایگاه محکمی در آن جا ایجاد کند یا فرمانداری از جانب خود در آن جا بگمارد، تنها با گرفتن مقادیری غله و تعداد معینی برده از شهرهای مختلف خزران، آن جا را رها کرد و به آذربایجان بازگشت! (۴۹)

برخی مورخان در بیان حوادث این رویارویی، جریان اسلام آوردن خاقان خزر را مطرح کرده اند. (۵۰) در صورت وقوع چنین امری احتمالاً اسلام آوردن او تنها برای حفظ ظاهر و نجات جاننش بود، چه پس از این واقعه بود که او رسماً دین یهود را پذیرفت. تا آن جا که می دانیم مورخان مسلمان از این حادثه، ذکری به میان نیاورده اند. در دوره عباسیان به درگیریهای میان ((ترك و خزر)) و مسلمانان به ویژه در باب الابواب و ارمینیه اشاره شده است. (۵۱) به هر روی، مسلمانان هیچ گاه نتوانستند خزران را تحت سیطره خود درآورند. بسیاری از پژوهشگران از جمله آرتامونوف، دانلوپ و اوبولنسکی (۵۲) بر این باورند که اگر خزرها خط قفقاز را در برابر هجوم عرب ها به سوی شمال سد نمی کردند، بیزانس، این دژ تمدن اروپا در شرق به دست عرب ها می افتاد و شاید تاریخ به صورت دیگری نوشته می شد. (۵۳) دانلوپ مقاومت خزران را همسنگ مقاومت فرانک ها در تور و پواتیه (۵۴) (۷۳۲ م / ۱۱۴ق) و به همان اندازه مهم و سرنوشت ساز برشمرده است. (۵۵)

درباره روابط خزران با خلفا و امرای عباسی تا پایان قرن دوم/ هشتم در منابع اسلامی گزارش هایی از ازدواج هایی، با انگیزه تحکیم روابط طرفین دیده می شود. این ازدواج ها معمولاً به مرگ شاهزاده خانم و در نتیجه شروع درگیریهای میان خزران و مسلمانان منجر می شده است. (۵۶) پس از پایان قرن دوم هجری، ظاهراً تا مدتی دو طرف در صلح و آرامش به سر می بردند یا دست کم خبری از جنگ و ستیز در منابع تاریخی دیده نمی شود.

اشارات راجع به اواخر دوران انحطاط خزران، بیش تر از منابع و مآخذ اسلامی به دست می آید، ولی این اشارات بسیار مبهم است و بسیاری از نام ها و تاریخ ها و اطلاعات جغرافیایی در معرض تفسیرهای گوناگون قرار دارد. ابن حوقل فروپاشی اتل و سمندر، شهرهای مهم خزران را به روس ها نسبت می دهد. (۵۷) خسارت حمله روس ها ظاهراً سنگین بوده است. مورخان مسلمان از خروج موقت یهودان خزر به سوی سواحل یا جزایر دریای خزر سخن گفته اند. ابن حوقل از مهاجرت مردم اتل از دست روس ها و سپس کمک حاکم مسلمان شروان (محمد بن احمد ازدی) در بازگشت آن ها به سرزمین

خود یاد کرده است. (۵۸) ابوعلی مسکویه از استمداد ایشان از اهل خوارزم سخن به میان آورده و افزوده است که اهل خوارزم، کمک به آن‌ها را به اسلام آوردن آنان و دست کشیدن از دین یهود مشروط ساختند. آنها پذیرفتند و همگی جز شاه ایشان اسلام آوردند. (۵۹)

پس از فروپاشی اتل، چنان که از برخی منابع روسی برمیآید، خزران در قرون پنجم و ششم هجری/ یازدهم و دوازدهم میلادی در شهرهای چرسون و تموتراکان متمرکز بودند. (۶۰)

در نیمه دوم قرن ششم/ دوازدهم خاقانی شروانی و نظامی گنجوی، شاعران نامدار ایرانی، از همدستی خزرها و روس‌ها در هجوم به شروان سخن گفته‌اند. (۶۱) خاقانی از خزرهایی که در همسایگی دربند بوده‌اند، سخن به میان آورده است. (۶۲)

در اواخر قرن ششم/ دوازدهم نیز یادداشت‌های کوتاه سیاح مشهور یهودی ((ربی پتاشیای رزنسبرگی)) (۶۳) در دست است. او در فاصله سال‌های ۱۱۷۰ - ۱۱۸۵م در نواحی اروپای خاوری و آسیای باختری به مسافرت پرداخته و سفرنامه او سیویوب حاعولم (۶۴) (سفر دور عالم) ظاهراً به قلم یکی از شاگردانش بر اساس یادداشت‌ها یا املای او نگارش شده است. در این سفرنامه آمده که چگونه وی از بی‌اطلاعی و بی‌مبالاتی خزرهای یهودی شمال کریمه نسبت به آداب و احکام شرعی دین یهود متعجب گشته و این وضع را ناشی از بدآموزیها و تأثیر الحاد قرائیون (۶۵) دانسته است. (۶۶)

در قرن سیزدهم/ هفتم، هنگامی که مغول‌ها، بزرگ‌ترین امپراتوری صحرا را بنیان نهادند و از مجارستان تا چین را زیر سیطره داشتند، در یادداشت‌های دوپلانوکاریپینی (۶۷)، سفیر پاپ اینوسان چهارم (۶۸) در ۱۲۴۵م/ ۶۴۳ به دربار باتوخان پسر توشی پسر چنگیزخان (فرمانروای بخش غربی امپراتور مغول) مطالبی درباره خزران دیده می‌شود. او در کتاب معروف خود (تاریخ مغول) (۶۹) در فهرست اقوامی که در طول سفر دیده، ضمن شمارش اقوام قفقاز شمالی در ردیف آلن‌ها/آلانها و چرکس‌ها از خزران که در مذهب یهودند، نام برده است. (۷۰)

از این شواهد برمیآید که خزرها با این که پس از شکست از روس‌ها در ۹۶۵م و نابودی شهر اتل امپراتوری خود را از دست دادند، اما سرزمین و موطن خویش را - هر چند در محدوده ای کوچک تر - حفظ کردند و گروهی از ایشان به اسلام گرویدند. (۷۱) گروه‌هایی از خزران پیش از آشوب مغولان به سرزمین‌های اسلاوی و شبه جزیره کریمه که زیر یوغ مغولان در نیامده بود، مهاجرت کردند. این مهاجرت‌ها، نخستین گام در گسترش مراکز یهودنشین در اروپای خاوری بود. (۷۲)

در لشکرکشی‌های مغول، باتو که مأمور فتح سرزمین‌های قفقاز و ماورای آن بود، تا دشت قیچاق پیش رفت. (۷۳) دشت قیچاق که پیش‌تر پایتخت خزران (اتل) بود، در آن زمان علاوه بر گروه‌هایی از خزران، قیچاق‌ها/ قفقاق‌ها و چنگ‌ها را نیز در خود جای داده بود. باتو در کنار رود اتل، بر خرابه‌های شهر کهن اتل، پایتخت خود را با نام ((سرای)) بنا نهاد. (۷۴)

بنا بر برخی منابع این پایتخت بعد از باتو در زمان برادرش برکای به شهری جدید التاسیس به نام سرای نو انتقال یافت که غالباً سرای برکای نامیده می‌شد، زیرا عقیده بر این بود که موسس این شهر برکای است. اما به عقیده برخی محققان، شواهد به دست آمده از سکه‌شناسی نشان می‌دهد که سرای باتو و سرای برکای در یک محل بوده‌اند و سرای نو تا دهه ۷۳۰ق/ ۱۳۳۰م ساخته نشده بود. (۷۵)

اصطلاحی که برای نامیدن این قلمرو به کار می‌رفت ((خان نشین قیچاق)) بود که بعدها به ((اردوی زرین)) (التون ایل، آلتون اردو) تغییر یافت. نامگذاری نخست حاکمی از این واقفیت است که اغلب ترك‌های قیچاقی که قبل از ورود مغولان در این منطقه می‌زیستند، در آن جا باقی ماندند و در دولت تازه تاسیس جذب شدند.

از برخی شواهد برمیآید تعداد ترك‌ها در قلمروی اردوی زرین بیش از مغول‌ها بود، چنان که میان سال‌های ۶۷۹ تا ۶۸۶ / ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۷م، زبان ترکی روی سکه‌ها جایگزین زبان مغولی شد. (۷۶)

ذیل نویسنده این عبری (ص ۵۰۵) درباره باتو می‌نویسد که او قبول اسلام کرده بود، اما هرگز نتوانست آداب غسل و وضو و

روزه را یاد بگیرد. جوزجانی(۷۷) این احتمال را به نقل از راویان ثقه مطرح کرده که او در خفا مسلمان شده بود اما ظاهر نمی کرد و مسلمانان در زمان او در کمال آسایش زندگی می کردند. احتمال می رود او از معدود افرادی بود که هنوز به خداگرایی شمنی قدیم که به همه ادیان و مذاهب حرمت می نهاد پایبند بوده است.(۷۸) از همین رو است که معمولا برادر او برکای (حك ۶۵۵- ۶۶۴) را که پس از او به حکومت رسید، نخستین شخصیت عالی مرتبه مغولی که قبول اسلام کرده، به شمار آورده اند. با این توضیحات به نظر می رسد اتباع ترك در زمان باتو اعم از گروه هایی که اسلام آورده بودند و گروه هایی از خزران که یهودی مانده بودند و ... از وضع مطلوبی برخوردار بودند.

برخی پژوهشگران معاصر(۷۹) با دلایل زبان شناختی این فرضیه را مطرح کرده اند که خزران اسلاف ایل قجرند که پس از مهاجرت به ایران به ((قاجار)) شهرت یافتند.(۸۰)

1. پی نوشت ها: 1. به نوشته ابن فضلان این هیات به درخواست المش بن یلطوار، پادشاه اسلاوها (صقالبه) به سوی آن ها اعزام شده بود. او از خلیفه مقتدر خواسته بود که شخصی را نزد او بفرستد تا مسائل دینی را به وی بیاموزد و برایش مسجد و منبری بنا کند تا بتواند در کشور خود برای خلیفه دعا و تبلیغ کند و نیز تقاضا کرده بود که برای او دژی بسازند تا در برابر حملات پادشاهان مخالفش که مهم ترین آن ها یهودیان خزر بودند، در امان باشد. به گزارش او پادشاه اسلاوها می بایست به عنوان مالیات به تعداد خانواده های خزر، به آن ها پوست سمور می داد. علاوه بر این پسر او نزد خزرها گروگان بود و یکی از دختران زیبایش را پادشاه خزر به زور به زنی گرفته بود. احمد بن فضلان، رساله ابن فضلان، تحقیق سامی الدهان (دمشق، مجمع العلمی العربی بدمشق، 1379/1959)، ص 67 - 68، 145.
2. محمد بن حوقل النصیبی، صوره الارض، تصحیح جی. اچ. کرایمر، (لیدن، بریل، 1967)، ج 2، ص 394 - 395؛ ابراهیم بن محمد اصطخری، مسالك الممالک، (لیدن، ریل، 1967)، ص 223 - 224.  
Encyclopaedia Judaica, (Jerusalem) vol. 10, p 950.
4. د. م. دنلوب، تاریخ یهود الخزر، ترجمه و تصحیح سهیل زکار، (بیروت، دارالفکر، 1407/1987)، ص 167 - 232.
5. ابن بلخی، فارس نامه، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون، (تهران، دنیای کتاب، 1363)، ص 97؛ دانلوب، همان، 59، 61 - 70).
6. همان، ص 167.
7. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید (قاهره، السعاده، 1377/1958)، ج 1، ص 178.
8. دانلوب، پیشین، ص 167 - 232.
9. احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، تصحیح هوتسما (لیدن، بریل، 1969)، ج 1، ص 13؛ مسعودی، پیشین، ج 1، ص 131.
10. هادی عالم زاده، ((خزران در منابع اسلامی)) مقالات و بررسیها، دفتر 47 - 48 (تهران، 1410/1368 ش)، ص 88.
11. اصطخری، پیشین، ص 223.
12. بر خلاف نظر آرتامونوف، دانلوب (پیشین، ص 59) با بررسی منابع مختلف به این نتیجه دست یافته است که درباره خزران قبل از قرن ششم میلادی، مدرک معتبری در دست نیست.
13. عنایت الله رضا، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1365)، ص 170.
14. دانلوب، پیشین، ص 61 - 70.
15. علی بن حسین مسعودی، التنیه و الاشراف (لیدن، بریل، 1967)، ص 62.
16. شهر سمندر ظاهرا در دامنه کوههای قفقاز نزدیک سریر قرار داشته ولی محل دقیق آن تاکنون مشخص نشده است.
17. مسعودی، پیشین؛ مروج الذهب، ج 1، ص 178.
18. اصطخری، پیشین، ص 10، 220.
19. ابن حوقل، پیشین، ج 2، ص 389.
20. همان، ج 2، ص 390؛ مسعودی، پیشین، ج 1، ص 178.
21. Kiev.
22. Saviatoslav.
23. تاریخ روس، ص 84 به نقل از دانلوب، پیشین، ص 322؛ ابن حوقل، پیشین، ج 2، ص 392.
24. به نوشته ابن فضلان (پیشین، ص 169) پادشاه خزر ((خاقان بزرگ)) نام دارد و جانشینش را ((خاقان به)) می نامند. اصطخری (پیشین، ص 224) توضیح رساتری در این باره دارد؛ او دقیقا میان خاقان و شاه خزر فرق گذاشته: ((... بزرگ آنها خاقان خزر نام دارد که مقام او بالاتر از شاه خزر [ملك الخزر] است، اما اختیار نصب وی با شاه است - و باید که این خاقان



- از خاندان خاقانی باشد و او را هیچ امر و نهی و فرمانی نباشد الا آنکه پیش او روند و او را سجده کنند و هر کس را بر او راه نباشد مگر ملك و کسانی که در پایه ملکداری باشند)). مسعودی (همان، ج 1، ص 180) نیز همین تفکیک را قائل شده و مقام خاقانی را موروثی و شاه را دارای قدرت اجرایی معرفی کرده و افزوده: ((اگر در دیار خزر قحط و خشکسالی و یا حوادث شوم دیگر رخ دهد، مردم خاقان را به فال بد گرفته و گاه از شاه می خواهند که او را بکشند)). نیز احمد بن عمر بن رسته، الاعلاق النفیسه (لیدن، بریل، 1967)، ص 139؛ ابوریحان محمد بن احمد بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، (لاپیزیک، هاراسوئیت، 1923)، ص 101.
25. ابی عبید عبدالله بن عبدالعزیز بکری، المسالك و الممالك، تحقیق: ادریان فان لیوفن و اندری فیری، (مصر، دارالعربیة للكتاب، 1992/1371)، ج 1، ص 446 - 447.
26. نخستین متن چاپی مکاتبات خزر در رساله عبری به نام Kol Mebasser (قول مبشر) در حدود 1577م در استانبول به وسیله اسحق ابراهیم اکریش منتشر شد. تنها نسخه خطی نامه حسدای و جواب یوسف در کتابخانه کلیسای مسیح در اکسفورد نگهداری می شود. آرتور کستلر، خزران، ترجمه محمدعلی موحد (تهران، خوارزمی، 1361)، ص 271 - 280.
27. حسدای بن شپروت (زاده 298/910م) ابتدا به عنوان طبیب به خدمت عبدالرحمن سوم اموی (حك، 277 - 350) در آمد. سپس چندان مورد اعتماد قرار گرفت که مسوولیت امور مالی را بر عهده او نهادند و سرانجام وزارت را در سطح برقراری ارتباط سیاسی خارجی بین خلیفه اندلس و سایر کشورهای مسیحی شمال اسپانیا از جمله کاستیل، آراگون و ... بر عهده گرفت.
28. آرتور کستلر، پیشین، ص 79 - 94.
29. جنیزه، (معرب گنیزه Geniza) به معنای گنجینه اوراق متروکه، نام انبار کنیسه های یهودی در مصر است. معمولاً یهودیان مصر اوراقی را که در آن نام خدا یا آیات مقدس نوشته شده بود - برای اینکه مورد بی احترامی قرار نگیرد - در انبارهای معابد نگاه می داشتند. تاکنون دو تا از این مخزنها کشف شده و اوراق به دست آمده از آنها به کتابخانه های بزرگ دنیا به ویژه بادلیان، اکسفورد و کمبریج در انگلستان انتقال یافته و مورد بررسی محققان قرار گرفته است. از این مخزنها اسناد مهمی مربوط به تاریخ مصر و تاریخ اجتماعی اسلام و یهود مرکب از هزاران نامه، قرار داد، عرض حال و ... به دست آمده است. بیشتر این اسناد به زبان عربی یهودی (زبان عربی و خط عبری) نوشته شده و از دوره های فاطمی و ایوبی است. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای (تهران، فرزانه، 1375)، ص 176.
30. کاشف این سند از جنیزه قاهره، سلیمان شختر (Soloman Schechter) از محققین کمبریج بود و به جهت اینکه این سند در کتابخانه کمبریج نگهداری می شود به این نام شناخته شده است.
31. آرتور کستلر، پیشین، ص 94 - 95.
32. Christian Druthmar of Aquintania.
33. اینکه مورخ گرجی خزرها را همان یاجوج و ماجوج می داند در برخی نوشته های اسلامی نیز انعکاس دارد. محمد بن احمد المقدسی، احسن التفاسیم فی معرفه الاقالیم، (لیدن، بریل، 1967)، ص 46؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، (تهران، مکتبه الاسدی، 1965)، ج 2، ص 440؛ قاضی منہاج سراج جوزجانی، طبقات ناصری، تصحیح: عبدالحی حبیبی، (کابل، انجمن تاریخ افغانستان، 1343)، ج 1، ص 165.
34. آرتور کستلر، پیشین، ص 99 - 100.
35. بری، 406 به نقل از آرتور کستلر، ص 71 به بعد.
36. برای نمونه درباره مهاجرت یهودیان در 332/943 به سرزمین خزر به سبب اجبار آنها به قبول مسیحیت از سوی ارمونوس (919-944) (Romanus) پادشاه روم مراجعه کنید به: مسعودی، همان، ج 1، ص 178 - 179.
37. محمد بن اسحق الندیم، الفهرست للندیم، تصحیح رضا تجدد (تهران، اسدی، 1350/1971)، ص 21. هر چند در مقابل این روایت، روایت متفاوت دیگری در کتاب فخرالدین مبارکشاه آمده است، اینکه در نزد خزران خطی که شبیه خط روس

- است کاربرد دارد و به این خط جماعتی از رومیان که به روم الروس مشهورند نیز کتابت می کنند. این خط متشکل از 21 حرف است و از چپ به راست نوشته می شود. دانلوپ, پیشین, ص 171.
38. ابن حوقل, پیشین, ج 2, ص 390; اصطخری, پیشین, ص 220; بکری, پیشین, ج 1, ص 446.
39. مسعودی, پیشین, ج 1, ص 179.
40. اصطخری, پیشین, ص 221. مطابق گزارش او پیروان ادیان مختلف یهود, نصاری, مسلمانان و حتی بت پرستان قاضیانی از میان خود داشته اند که مرجع حل و فصل دعاوی بوده اند. مسعودی, همان, ج 1, ص 179 - 180; یاقوت, همان, ج 2, ص 437.
41. اصطخری, همان, ص 220 - 222; ابن حوقل, همان, ج 2, ص 393; ابن رسته, همان, ص 140.
42. یاقوت, همان, ج 2, ص 440.
43. محمد بن جریر طبری, تاریخ الرسل و الملوك, ویرایش: م. جی دگویه/دخویه, (طهران, مکتبه الاسدی, افسس از روی لیدن, بریل, 1879), ج 5, ص 2889 - 2894.
44. همان, ج 8, ص 1200 - 1217; ابوعلی احمد بن محمد مسکویه رازی, تجارب الامم و تعاقب الهمم, تحقیق ابوالقاسم امامی, (طهران, دار سروش 1987) ج 2, ص 335; عزالدین بن اثیر, الكامل فی التاريخ, تصحیح محمد یوسف الدقاق (بیروت, دارالکتب العلمیه, 1407/1987), ج 4, ص 263.
45. طبری, ج 9, ص 1346; ابن اثیر, ج 4, ص 315.
46. طبری, پیشین, ج 9, ص 1453; محمد بن علی بن اعثم کوفی, الفتوح, تحقیق سهیل زکار (مصر, دارالفکر, 1412/1992), ج 3, ص 216 - 222.
47. طبری, ج 9, ص 1530 - 1531; ابن اعثم, ج 3, ص 226 - 229.
48. ابن اعثم, ج 3, ص 230 - 261; طبری, پیشین, ج 9, ص 1560.
49. ابن اثیر, پیشین, ج 4, ص 406 - 407; عبدالرحمن بن محمد بن خلدون, العبر و دیوان المبتدئ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر, (بیروت, دارالکتب العلمیه, 1413/1992), ج 3, ص 110 - 111.
50. دانلوپ, پیشین, ص 127 - 128.
51. طبری, همان, ج 10, ص 318; ابن اعثم, همان, ج 3, ص 397 - 400.
52. Obolensky.
53. آرتور کستلر, پیشین, ص 36.
54. جنگ میان شارل مارتل فرمانده فرانک ها و عبدالرحمن غافقی والی مسلمان اسپانیا که به شکست مسلمانان منجر شد و این شکست پیشروی مسلمانان در اروپا را متوقف ساخت. این جنگ در منابع اسلامی به بلاط الشهدا مشهور است.
55. دانلوپ, پیشین, ص 12.
56. طبری, پیشین, ج 10, ص 647 - 648; ابن اعثم, پیشین, ج 3, ص 377 - 381.
57. ابن حوقل, پیشین, ج 2, ص 392.
58. همان, ج 2, ص 398.
59. ابوعلی مسکویه, تجارب الامم, تصحیح ه. ف. آمدروز, (قاهره, شرکه التمدن الصناعیه, 1333), ج 2, ص 209.
60. آرتور کستلر, پیشین, ص 162 - 163.
61. افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی, دیوان, تصحیح ضیاالدین سجادی, (تهران, زوار, 1368), ص 33; الیاس بن یوسف نظامی گنجوی, سبعه حکیم نظامی, تصحیح و تحشیه حسن وحید دستگردی, (تهران, علمی, 1363), ج 3, ص 431.

62. خاقانی, همان, ص 188.
63. Sibub Ha'olam.
64. Regensberg Rabbi Petachia of ..
65. قرائیون / قرائیم / قاریان (Karaites) ( فرقه ای یهودی که در نیمه دوم قرن هشتم میلادی در بابل پیدا شد و با تفسیر تلمودی تورات مخالفت ورزید و هدفش بازگشت به متن تورات بود. عنان بن داوود در 765م در بغداد این فرقه را بنیان نهاد.
66. کستلر, پیشین, ص 97 .
67. Historica Mangolorum
68. Iv Innocent.
69. Joannes De plano carpini.
70. همان, ص 166.
71. ابوعلی مسکویه, پیشین.
72. کستلر, پیشین, ص 175.
73. جوزجانی, پیشین, ج 2, ص 175 - 176; ابن عبری, غریغوریوس الملطی تاریخ مختصر الدول, (بیروت, دارالمسیره, بی تا), ص 248.
74. عظاملك بن محمد جوینی, تاریخ جهانگشا, تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی (لیدن, بریل, 1911), ج 1, ص 222.
75. دیوید مورگان, مغولها, ترجمه عباس مخبر (تهران, نشر مرکز, 1371), ص 171.
76. همان, ص 170 - 171.
77. جوزجانی, پیشین, ج 2, ص 176.
78. جی, آر, بویل, تاریخ ایران کمبرج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان), ترجمه حسن انوشه (تهران, امیرکبیر, 1366), ج 5, ص 356.
79. عبدالله شهبازی, زر سالاران یهودی و پارسی, استعمار بریتانیا و ایران, (تهران, موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی, 1377), ج 1, ص 488.
80. سعید نفیسی, تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر, (تهران, بنیاد, 1373), ج 1, ص 35.

- منابع: - ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، 10 جلد، تصحیح محمد یوسف الدقاق (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1407/1987)، جلد 4.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، 3 جلد، تحقیق سهیل زکار، (مصر، دارالفکر، 1412/1992)، جلد 3.
- ابن بلخی، فارس نامه، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون، (تهران، دنیای کتاب، 1363).
- ابن حوقل النصبی، محمد، صورہ الارض، دو جزء در یک مجلد، تصحیح جی. اچ. کرایمر، (لیدن، بریل، 1967).
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون المسمی کتاب العبر و دیوان المبتدئ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، 7 جلد، (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1413/1992)، جلد 3.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، (لیدن، بریل، 1967).
- ابن عبری، غریغوریوس الملطی، تاریخ مختصر الدول، (بیروت، دارالمسیره، بی تا).
- ابن فضلان، احمد، رساله ابن فضلان، تحقیق سامی الدهان، (دمشق، مجمع العلمی العربی بدمشق، 1379/1959).
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، مسالك الممالک، (لیدن، بریل، 1967).
- بکری، ابی عبید عبدالله بن عبدالعزیز، المسالك و الممالک، 2 جلد، تحقیق ادریان فان لیوفن و اندری فیری، (مصر، دارالعربیہ للکتاب، 1992/1371)، جلد 1.
- بویل، جی، آ، تاریخ ایران کمبرج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، جلد پنجم، ترجمه حسن انوشه، (تهران، امیرکبیر، 1366).
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، الاثار الباقیه عن القرون الخالیه، (لایپزیک، هاراسوئیت، 1923).
- جوزجانی، قاضی منہاج سراج، طبقات ناصری، 2 جلد، تصحیح عبدالحی حبیبی، (کابل، انجمن تاریخ افغانستان، 1343)، ج 1.
- جوینی، عطاملک بن محمد، تاریخ جهانگشا، 3 جلد، تصحیح محمد بن عبدالوہاب قزوینی (لیدن، بریل، 1911، 1916، 1937م)، ج 1.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، 6 جلد، (تهران، مکتبه الاسدی، 1965).
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی، دیوان، تصحیح ضیاالدین سجادی، (تهران، زوار، 1368).
- دنلوپ، د. م، تاریخ یهود الخزر، ترجمه و تصحیح سهیل زکار، (بیروت، دارالفکر، 1407/1987).
- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، (تهران، فرزاد، 1375).
- رضا، عنایت اللہ، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1365).
- شہبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، 4 جلد، (تهران، موسسه مطالعات و پژوهشہای سیاسی، 1377)، ج 1.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، 15 جلد، ویرایش: م. جی دگوبه، (لیدن، بریل، 1879).
- عالم زاده، هادی، ((خزران در منابع اسلامی))، مقالات و بررسی ها، دفتر 47 - 48، (تهران، 1410/1368 ش).
- کستلر، آرتور، خزران، ترجمه محمد علی موحد، (تهران، خوارزمی، 1361).
- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، (لیدن، بریل، 1967).
- \_\_\_\_\_، مروج الذهب و معادن الجوهر، 4 جلد در دو مجلد، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، (قاہرہ، السعاده، 1377/1958).
- مسکویہ رازی، ابوعلی احمد بن محمد، تجارب الامم و تعاقب الہمم، 2 جلد، تحقیق ابوالقاسم امامی، (طہران، دار سروش، 1987/1366)، ج 1 و 2.
- \_\_\_\_\_، تجارب الامم، 4 جلد در 3 مجلد، تصحیح ہ. ف. آمدروز، (قاہرہ، شرکہ التمدن الصناعیہ، 1333).

- مقدسی, محمد بن احمد, احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم, (لیدن, بریل, 1967).
- مورگان, دیوید, مغول ها, ترجمه عباس مخبر, (تهران, نشر مرکز, 1371).
- الندیم, محمد بن اسحق, الفهرست للندیم, تصحیح رضا تجدد, (تهران, اسدی, 1350/1971).
- نظامی گنجوی, الیاس بن یوسف, سبعة حکیم نظامی, 3 جلد, تصحیح و تحشیه حسن وحید دستگردی, (تهران, علمی, 1363), ج 3.
- نفیسی, سعید, تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر, (تهران, بنیاد, 1373).
- یعقوبی, احمد بن واضح, تاریخ یعقوبی, 2 جلد, تصحیح هوتسما, (لیدن, بریل, 1969).
- .Encyclopaedia Judaica, Jerusalem .